

# دگرگون شدن نظم ژئوپلیتیکی خاورمیانه و اثر آن بر روابط سوریه و پ.ک.ک

دکتر سید موسی پور موسوی\*  
جهانبخش رهنما قره خانگللو\*\*  
بابک رضایی\*\*\*  
مهدی میرزاده کوهشاهی\*\*\*\*

## چکیده:

حمله ایالات متحده به عراق و اشغال نظامی آن کشور (۲۰۰۳م)، سرآغاز دگرگونی نظم سیاسی منطقه به شمار می‌رود. کردها بعنوان اقلیتی اکولوژیک، با توزیع فضایی در ۴ کشور (ایران، ترکیه، عراق و سوریه) و داشتن پیوستگی سرزمینی، بیشترین اثر را از چنین رویدادی پذیرفته‌اند. پاگرفتن و رسمیت یافتن حکومت خودمختار در کردستان عراق، استقرار همه‌سویه شبه نظامیان پ.ک.ک. در شمال عراق و نیروگرفتن اردوگاه‌قنديل (پایگاه آموزشی- عملیاتی پ.ک.ک.) و نیز سربرآوردن شاخه ایرانی این گروه (پژاک)، جایگاه کردها را در نظم آمریکایی-اسرائیلی مورد نظر ایالات متحده برای خاورمیانه روشن کرد. با آمدن آمریکا به میدان و دگرگون شدن «توازن ژئوپلیتیکی» سایه افکن بر معادلات قدرت در منطقه و نیز پشتیبانی آن کشور از کردها همچون اهرمی بر ضد رقیبان و دشمنان منطقه‌ای، «وابستگی ژئوپلیتیکی» و دوستی حاکم بر روابط سوریه و پ.ک.ک. نیز از میان رفت. چرخش در سیاست خارجی سوریه بویژه کوشش آن دولت در زمینه بهسازی روابطش با ترکیه و پشتیبانی آشکار از عملیات برون مرزی آن کشور بر ضد پ.ک.ک. نخستین واکنش عملی دولت سوریه به این دگرگونی منطقه‌ای بوده است. باید پرسید که آیا در سایه دگرگونیهادر «نظم ژئوپلیتیکی» خاورمیانه، سوریه هم هدف فعالیت‌های تشکیلاتی پ.ک.ک. خواهد شد یا نه؟ در این پژوهش، بر پایه روش توصیفی-تحلیلی و با توجه به شواهدی چون نزدیک شدن سوریه به ترکیه، دشواریهای استراتژیک آن کشور با آمریکا، پشتیبانی فراگیر ایالات متحده از کردها و همپیمانی استراتژیک سوریه با ایران (دیگر دشمن ایالات متحده) می‌توان گفت که سوریه دستخوش چنین تهدیدی است و در شرایط کنونی، رابطه دولت سوریه با کردها بر پایه الگوی «درگیری» خواهد بود.

\* استادیار دانشگاه

\*\* دانشجوی کارشناسی ارشد جغرافیای سیاسی دانشگاه تهران

\*\*\* دانشجوی کارشناسی ارشد جغرافیای سیاسی دانشگاه شهید بهشتی

\*\*\*\* دانشجوی کارشناسی ارشد جغرافیای سیاسی دانشگاه تهران

فعالیت تشکیلاتی این گروه در میان کردهای سوریه، مورد نظر این نوشتار است.

با توجه به حضور نظامی آمریکا در عراق و پیش آمدن دگرگونیهای بنیادی در ترتیبات امنیتی و معادلات سیاسی منطقه، به نظر می‌رسد که نظم سیاسی خاورمیانه در مرحله «گذار ژئوپلیتیکی» (geopolitical transition) است. حضور نظامی آمریکا در منطقه و دگرگونیهای ژئوپلیتیکی برخاسته از آن و نیز واکنش دیگر کشورها در چارچوب سه‌الگوی رقابت، همکاری و درگیری، نظم سنتی منطقه را دگرگون کرده است. بر این پایه، رفتار دولت سوریه با کردها در چارچوب واکنش به دگرگونیها در معادلات سیاسی منطقه بررسی می‌شود. اما تبیین این رفتار و سیاست، در درون همین نظم دوران گذار انجام می‌گیرد و پیش‌بینی ژئوپلیتیکی برای دوران پس از گذار، نیازمند آگاهی از دگرگونیهای است که هنوز رخ ننموده است.

از آنجا که کردها بخشی از جمعیت ترکیه، عراق و ایران را نیز تشکیل می‌دهند و با توجه به سیاستهای

### ○ حمله ایالات متحده به عراق و اشغال

نظامی آن کشور، سرآغاز دگرگونی نظم سیاسی منطقه به شمار می‌رود. کردها بعنوان اقلیتی اکولوژیک، با توزیع فضایی در ۴ کشور (ایران، ترکیه، عراق و سوریه) و داشتن پیوستگی سرزمینی، بیشترین اثر را از چنین رویدادی پذیرفته‌اند. پاگرفتن و رسمیت یافتن حکومت خودمختار در کردستان عراق، استقرار همه‌سویه شبه‌نظامیان پ.ک.ک. در شمال عراق و نیرو گرفتن اردوگاه قنديل (پایگاه آموزشی-عملیاتی پ.ک.ک.) و نیز سربرآوردن شاخه ایرانی این گروه (پژاک)، جایگاه کردها در نظم آمریکایی-اسرائیلی مورد نظر ایالات متحده برای خاورمیانه روشن کرد.

### پیشگفتار

رفتار و رویکرد کردهای خاورمیانه و نیز گروههایی ستیزنده در میان آنها که از استقلال دم می‌زنند، با توجه به پراکنده بودنشان در ۴ کشور ایران، ترکیه، عراق و سوریه، از یک سو مسأله‌ای داخلی (ملی) است و از سوی دیگر پیامدهای منطقه‌ای دارد. در تحلیل ژئوپلیتیکی، نقش آفرینی سیاسی هر گروه قومی، از یک رشته عوامل ثابت (جغرافیایی) و عوامل دگرگون شونده اثر می‌پذیرد. این عوامل، دامنه قدرت و امکانات آن گروه قومی را برای شرکت مؤثر در بازیهای قدرت روشن می‌کند. از این دیدگاه، «نکته اصلی در مناسبات بین اقلیت و اکثریت چه در مقیاس جهانی و چه ملی و محلی، وزن ژئوپلیتیکی (geopolitical weight) و خودآگاهی موقعیت اقلیتی نسبت به اکثریت پیرامونی می‌باشد» (حافظ نیا، ۱۳۸۵: ۹۳). این دو عامل، از عوامل درون‌زاد در تکوین و فعال شدن «نیروهای مرکزگریز» (Sentifugal force) در ساختهای ملی ناهمگون است که قدرت واقعی یک گروه قومی را در نقش آفرینی‌های سیاسی در سطوح ملی و فراملی رقم می‌زند. بی‌گمان عامل پشتیبانی بیرونی بویژه برای ایجاد «توازن ژئوپلیتیکی» را نیز، باید به این دو افزود. «حمایت و یا عدم حمایت بین‌المللی از تحركات قومی و یا دولتهای مستقر، نقش بسزایی در کاهش و یا افزایش منازعات قومی ایفا می‌نماید» (مقصودی، ۱۳۸۰: ۶۷).

پشتیبانی بیرونی، بویژه از سوی یک نیروی کارساز ژئوپلیتیکی، می‌تواند به پاگرفتن یا نیرومند شدن جنبش قومی در «حوزه نفوذ» (hinterland) بینجامد. وزن ژئوپلیتیکی و خودآگاهی بعنوان عوامل «درون‌زا» و «پشتیبانی بین‌المللی» بعنوان عامل «برون‌زا»، نقش برجسته در پاگیری و گسترش حرکتهای واگرایانه در یک واحد ناهمگون دارد.

با بررسی چندوچون این سه عامل در سطح جامعه کرد سوریه و نیز بررسی ابعاد ملی و منطقه‌ای مسأله کردها، چگونگی روابط سوریه با پ.ک.ک. روشن خواهد شد. به این روابط در دو دوره پیش و پس از حضور نظامی آمریکا در عراق پرداخته می‌شود. آزمون فرضیه «الگوی درگیری» در روابط آینده سوریه با پ.ک.ک. (Parti krikarane kurdistan) و خطر آغاز

برمی آید که کردها ۸ تا ۱۰ درصد جمعیت سوریه را تشکیل می دهند و چیزی نزدیک به ۱/۲ تا ۱/۵ میلیون کرد در آن کشور زندگی می کنند.

نخستین جنبشهای ناسیونالیستی کرد در سوریه به دهه ۱۹۲۰ برمی گردد. در دورانی که سوریه زیر سرپرستی فرانسه بود، حزب هویون (آزادی) بیشتر برای رسیدن به خودمختاری سیاسی و فرهنگی می کوشید. جنبش کرد در ۱۹۲۸ م در پی خواستهای کردها از مجلس مؤسسان جوانه زد. خواست کردها از مجلس مؤسسان این بود که زبان کردی را بعنوان زبان رسمی در سوریه بشناسد و همچنین اجازه دهد این زبان در آموزشها و نامه نگاریهای اداری در مناطق کردنشین به کار گرفته شود (Mc Dowall: 2004, 615). اینکه فرمانروایان فرانسوی این درخواستها را نپذیرفتند، کردها با شرایط خوبی در سوریه زندگی می کردند.

در آن دوران، کردها و عربها روابط خوبی با هم داشتند و در برابر اشغالگران فرانسوی، دوشادوش در راه استقلال سوریه می کوشیدند. همین همکاری سبب شد که کردها به وعدههای همیمانان عرب خود پس از بیرون رفتن استعمارگران از سوریه دل ببندند؛ اما با پایان یافتن دوران سرپرستی فرانسه، شرایط برخلاف خواسته آنها دگرگون شد (Lazarev, 2001: 248). با رفتن نیروهای فرانسه از سوریه، کودتاهای نظامی یکی پس از دیگری رخ داد و در پی آن، قدرت به دست ناسیونالیستهای عرب افتاد و همین، اثر منفی بر سر نوشت کردها گذاشت. نخستین محدودیتها برای کردها و زبان کردی در این دوران آغاز شد (Ibid: 250). در میان سالهای ۱۹۵۸ تا ۱۹۶۱، با گرفتن جمهوری متحد عربی و سپس روی کار آمدن حزب بعث در ۱۹۶۳ بر پایه ایدههای پان عربیسم، بر دامنه اختلاف کردها و عربها افزود و تغییر موازنه قدرت به سود عربها و همچنین بالا گرفتن احساسات ناسیونالیستی در آنها، به رانده شدن غیر عربها از نظام سیاسی انجامید (دوئرتی، ۱۳۸۵: ۵۰).

پیدا شدن میدانهای نفتی در مناطق کردنشین، احساس خطر از جدایی خواهی کردها را در میان زمامداران سوریه افزایش داده است (Badradin, 2003: 6). در گزارش یک ژنرال سوریه در دهه ۱۹۶۰ درباره سیاستی که باید در برابر کردها در پیش گرفته

○ پشتیبانی بیرونی، بویژه از سوی یک نیروی کارساز ژئوپلیتیکی، می تواند به پا گرفتن یا نیرومند شدن جنبش قومی در «حوزه نفوذ» بینجامد. وزن ژئوپلیتیکی و خودآگاهی بعنوان عوامل «درونزا» و «پشتیبانی بین المللی» بعنوان عامل «برونزا»، نقش برجسته در پاگیری و گسترش حرکتهای واگرایانه در یک واحد ناهمگون دارد.

مداخله جوانه بیگانگان و بهره گیری آنها از برخی ادعاهای شعارها برای فشار آوردن بر کشورهای یاد شده، بایسته است که، در راستای پاسداری از یکپارچگی سرزمینی همه این کشورها و نیز همخوان شدن سیاستهایشان، بررسیهای همه سویه در این زمینه انجام گیرد و آگاهیهای لازم به دست آید.

### توزیع فضایی و پیشینه سیاسی کردها در سوریه

سوریه در سنجش با ایران، ترکیه و عراق، کمترین جمعیت کرد را دارد. بیشتر کردهای سوریه سنی مذهبند، به لهجه کردی «کرمانج» سخن می گویند و در شمال خاوری کشور، نزدیک مرزهای ترکیه و عراق زندگی می کنند. کمابیش ۳۰ درصد از کردها در شمال حلب و در دامنه رشته کوههای «آفرین» (کوههای کرد) و ۱۰ درصد در رود فرات به سوریه، در جایی که «عین العرب» (اسم قدیمی کردی کوبانی) خوانده می شود، به سر می برند. ۴۰ درصد نیز در شمال خاوری سوریه در منطقه جزیره زندگی می کنند. (Lowe, 2006: 327). کردهای منطقه «آفرین» از نژاد کردهای ترکیه اند که صدها سال پیش به اینجا کوچیده اند. (Mc Dowall, 2004: 612). کردهای جزیره، که بعدها به سوریه آمده اند، تابعیت سوری ندارند. گذشته از اینها، در شام، حلب و لاذقیه نیز شمار چشمگیری از کردها زندگی می کنند. (Gambill, 2004: 4) درباره شمار کردها آمار دقیقی در دست نیست ولی از منابع گوناگون چنین

بوده‌اند. هدف پنهان دولت، عربی کردن مناطق کردنشین شمال خاوری بود. کردهایی که نمی‌توانستند این نکته را ثابت کنند، تابعیت سوریه از آنان گرفته می‌شد. بایگیری سیاستهای سخت‌گیرانه قومی در سالهای بعد، نزدیک به ۱۲۰ هزار مورد تابعیت سوری از کردهای آن کشور گرفته شد. (Human Rights Watch, 1996: cilt8). در دوران زمامداری حافظ اسد هم، بر پایه سیاست «کمربند عربی» یعنی ایجاد کریدوری میان کردهای ترکیه، عراق و سوریه، خانوارهای عرب به مناطق مرزی سوریه و عراق کوچانده شدند. (Lowe, 2006:315).

نتایج این سرشماری، دشواریهای کردهای سوریه را نمایان می‌کند. امروزه ۱۵۰ هزار تا ۲۰۰ هزار کرد در سوریه بابرچسب بیگانه (به گفته سوری‌های اجنبی) زندگی می‌کنند. به اینان، باید کسانی که در سرشماری شرکت نداشته‌اند و همچنین کودکان زاده شده از ازدواج سوریها با بیگانگان (اجنبی‌ها) را که شناسنامه ندارند، افزود. برآورد شده است که ۸۰ تا ۱۰۰ هزار تن از کردان بی‌شناسنامه‌اند. بیگانگان (اجنبی‌ها) حق مالکیت زمین و خانه ندارند و کارکردشان با عنوان دکتر یا مهندس ممکن نیست و در سازمانهای دولتی به کار گرفته نمی‌شوند و ازدواج‌هایشان نمی‌تواند رسمی باشد. آنان از حقوق سیاسی مانند حق رأی دادن

شود، آمده است: «مسأله کردها و تشکیلاتی شدن فعالیت‌هایشان، آنها را به صورت غده‌ای سرطانی در پیکر ملت عرب در آورده است که تنها یک چاره دارد و آن بریدن و دور انداختن آن است» (McDowall, 2004-625). این گزارش نه تنها گویای دیدگاه کلی درباره کردهاست، که نشان‌دهنده ارزش اقتصادی میدانهای نفتی برای جنبشهای کرد و سیاستهای تهدیدکننده‌ای است که برای جلوگیری از جدایی‌خواهی کردها در پیش گرفته می‌شود. از آن سالها، سیاستهای سخت‌گیرانه در برابر جنبش کردها با قاطعیت اجرا شده است. البته باید پذیرفت که در این سالها تحریک کردهای سوریه به گستردگی تحریک کردها در دیگر کشورها نبوده، ولی همواره پتانسیل‌های مهمی در این زمینه وجود داشته است.

افزایش احساسات ناسیونالیستی عربها در دهه ۱۹۵۰، واکنش کردهای سوریه رو به رو و نخستین حزب کرد در ۱۹۵۷ با نام «حزب دموکرات کردستان سوریه (SKDP)» پی‌ریزی شد. این حزب که با ملا مصطفی بارزانی در عراق پیوندهای نزدیک داشت، در پی همان هدفهای حزب دموکرات کردستان عراق (KDP) بود. اعضای این حزب همچنین خواهان پذیرش کردها بعنوان یک گروه قومی در سوریه و رسیدگی بیشتر دولت به مناطق کردنشین بودند (Moubayed, 2005:9). شورش کردهای عراق به رهبری ملا مصطفی بارزانی در برابر حکومت مرکزی و ارتباط نزدیک حزب دموکرات کردستان با همتای سوری خود، مایه هراس دمشق از کشیده شدن دامنه این شورشها به سوریه شده بود. نیروی کردهای عراق و ترس از گسترش شورشها، فشار دولت سوریه بر کردها را افزایش داد و دولتمردان سوریه سیاستهای گوناگونی برای جلوگیری از این پدیده‌ها در پیش گرفتند. (Lazarev, 2004: 351). بدین‌سان حزب دموکرات کردستان سوریه که در زمانی کوتاه نیروی چشمگیر یافته بود، زیر فشارهای حکومت تجزیه شد. سرشماری ۱۹۶۲ در سوریه، ترس دولتمردان سوری را دوچندان کرد. هدف از این سرشماری، آگاهی از شمار کردهای مهاجر غیرقانونی از عراق و ترکیه به سوریه بود. کردها برای به دست آوردن تابعیت سوریه باید ثابت می‌کردند که از ۱۹۳۵ ساکن سوریه

○ با توجه به حضور نظامی آمریکا در عراق و پیش آمدن دگرگونیهای بنیادی در ترتیبات امنیتی و معادلات سیاسی منطقه، به نظر می‌رسد که نظم سیاسی خاورمیانه در مرحله «گذار ژئوپلیتیکی» است. حضور نظامی آمریکا در منطقه و دگرگونیهای ژئوپلیتیکی بر خاسته از آن و نیز واکنش دیگر کشورها در چارچوب سه‌الگوی رقابت، همکاری و درگیری، نظم سنتی منطقه را دگرگون کرده است.

کیفی جمعیت (سواد، درآمد و بهداشت)، پراکندگی نسبی جمعیت، یکپارچه نبودن از دید سرزمینی و شرایط محیط سیاسی در سه سطح محلی، ملی و منطقه‌ای، از مهمترین بازدارنده‌های حرکت و اگر ایانه کردها در سوریه بوده است. بر سر هم، عوامل ثابت و اعتباری نقش آفرین در معادلات سیاسی سوریه در هر دو سطح زیربنایی و روبنایی، کردهای سوریه را به «انزوای ژئوپلیتیکی» می‌کشاند. به سخن دیگر، عوامل جغرافیایی تولید قدرت برای کردهای سوریه، امکانات کافی برای شرکت مؤثر آنها در بازباز قدرت پدید نمی‌آورد. وزن اندک ژئوپلیتیکی کردها در سوریه، به همان اندازه حمایت‌های بیرونی از آنها را کاهش می‌دهد. در واقع آن دسته از اجزای «ساختار فضایی ژئوپلیتیکی» (Spatial Geopolitical structure) که در رفتار سیاسی خود الگوی رقابت و حتا درگیر شدن با دولت سوریه را در پیش گرفته‌اند، فشار آوردن با بهره‌گیری از ابزارهای کارساز تر را می‌پسندند. در یک تحلیل سیستماتیک، بزرگترین برآیند چنین حالتی (ناتوانی درونی و نبود پشتیبانی بیرونی) برای کردهای سوریه، باز تولید شدن وضعی است که شرایط کنونی را پدید آورده است.

اگر قدرت را مفهومی سیال و نسبی در نظر بگیریم، باید گفت که بخشی از کم توانی کردها در سوریه به قدرت حکومت مرکزی سوریه برمی‌گردد. «در واقع نخبگان قوم کرد سوریه برای پیشبرد هدفهای جمعی خود، گذشته از محدودیت‌های درونی، با اقتدار چشمگیر حکومت مرکزی نیز روبه‌رو می‌شوند» (Urhan, 2005: 65). بدین سان «وزن ژئوپلیتیکی ناچیز»، «حمایت‌های ناچیز بین‌المللی» و همچنین «اقتدار چشمگیر حکومت مرکزی» سوریه را باید از عوامل بازدارنده در زمینه‌ی پاگیری حرکتهای و اگر ایانه در جامعه کرد سوریه

بی‌بهره‌اند و چون گذرنامه ندارند، به گونه‌ی قانونی نمی‌توانند از سوریه بیرون روند یا به سوریه وارد شوند. بر سر هم، در سوریه، وضع کسانی که شناسنامه ندارند ولی کرد نیستند، خیلی بهتر از وضع بیگانگان (کردهای بی شناسنامه) است. افراد بی شناسنامه، در سرشماریها هم جایی ندارند (Human Rights Watch, 1996: cilt 8).

هم اکنون ۱۴ حزب غیر قانونی در سوریه فعالیت دارند که یکی از آنها، شاخه‌ی سوریه پ. ک. ک یا حزب اتحاد کردستان (PYD) است. هیچ یک از این حزبها خواستار حکومت مستقل یا در پی براندازی رژیم سوریه نیست. خواسته‌های آنها جدا از خواسته‌های کردهای عراق است. این احزاب بیشتر از استقلال، خواهان حق زندگی آزاد در چارچوب فرهنگ خودشان و تابعیت سوریه هستند. جز شاخه‌ی پ. ک. ک. هیچ یک از این حزبها واژه «کردستان» را در عنوان رسمی خود به کار نبرده است. بدین سان آنها می‌خواهند نشان دهند که در پی جداسازی نیستند و تنها از حقوق کردها دفاع می‌کنند.

احزاب کردی در سوریه، پیوسته تجزیه و ناتوان شده‌اند. نخستین تجزیه در حزب دموکرات کردستان سوریه رخ داد و سپس به دیگر احزاب کشیده شد تا جایی که اکنون به پیدایش ۱۴ حزب انجامیده است. در میان آنها، احزاب نزدیک به حکومت مرکزی نیز وجود دارند. چند دستگی و پراکندگی احزاب کرد، پیگیری خواسته‌ها را دشوار کرده و از این رو کردهای سوریه نتوانسته‌اند همانند کردهای عراق و ترکیه، از سازمانی منسجم برخوردار شوند (Çakir, 2007: 21). بر همین پایه، جنبش کردهای سوریه در سنجش با کردهای عراق و ترکیه، همواره سست و ناتوان بوده است و این وضع را می‌توان برآیند سیاست‌های سخت‌گیرانه‌ی دولت سوریه در برابر گروه‌های مخالف دانست.

### پانگرفتن جنبش‌های اثرگذار کردی در سوریه و عوامل جغرافیایی - سیاسی آن

چنان که گفتیم در تاریخ سیاسی سوریه، کردها تاکنون نتوانسته‌اند نماینده‌ی یک حرکت و اگر ایانه نیرومند در ساختار سیاسی آن کشور باشند. به نظر می‌رسد که عواملی همچون جمعیت اندک، پایین بودن شاخص‌های

○ «وزن ژئوپلیتیکی ناچیز»، «حمایت‌های ناچیز بین‌المللی» و همچنین «اقتدار چشمگیر حکومت مرکزی» سوریه را باید از عوامل بازدارنده در زمینه‌ی پاگیری حرکتهای و اگر ایانه در جامعه کرد سوریه به شمار آورد.

به‌شمار آورد.

## دلایل پشتیبانی سوریه از پ.ک.ک تا پیش

### از اشغال شدن عراق

سوریه در دهه‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ میلادی، از گروه تروریستی پ.ک.ک. پشتیبانی می‌کرد و این پشتیبانی دلایل گوناگون داشت. در آن دوران سوریه در خاک خود و در بخشهایی از خاک لبنان که زیر کنترل سوریه بود، امکان پناهندگی، آموزش و تأسیس اردوگاه برای کردهای ترکیه رافراهم آورده بود (Özcan, 1999: 237-252). سوریه گذشته از اینکه به کردهای مخالف دولت ترکیه اجازه استفاده از خاک خود را می‌داد، از آنها پشتیبانی مالی، جنگ‌افزایی و اطلاعاتی می‌کرد و امکان گذر از مرز برایشان فراهم می‌ساخت.

روابط ترکیه و سوریه از سالهای دور بر پایه درک تهدید متقابل و در چارچوب الگوی درگیری بوده است و دو کشور در مواقعی تا بر خورد نظامی نیز پیش رفته‌اند. برای نمونه، ترکیه در ۱۹۹۸ م سوریه را به علت پشتیبانی از پ.ک.ک. تهدید به حمله نظامی کرد (شیخ‌عطار، ۱۳۸۲: ۲۶۴). دوام الگوی درگیری در روابط سوریه و ترکیه، دو عامل ثابت و چند عامل اعتباری دارد. عوامل ثابت یا جغرافیایی - سیاسی تنش را می‌توان چنین برشمرد:

- اختلاف دو کشور بر سر چگونگی تقسیم آب رودخانه فرات؛

- ادعای سرزمینی سوریه بر منطقه اسکندرون (هاتای) که در ۱۹۳۹ به خاک ترکیه پیوست.

عوامل اعتباری این تنش نیز عبارتند از:

- روابط دوستانه ترکیه با اسرائیل؛

- پشتیبانی سوریه از حزب کارگران کردستان (پ.ک.ک.)؛

- پشتیبانی سوریه از اسلام‌گرایان تندرو در ترکیه؛

- هم‌راهی نسبی ترکیه با سیاستهای ایالات متحده در

خاورمیانه (Brandon, 2007: 5-6).

چنان که گفته شد، پشتیبانی‌های همه‌سویه سوریه از پ.ک.ک. از عوامل اعتباری تنش در روابط ترکیه با سوریه بوده است. عوامل اعتباری یا ژئوپلیتیکی، به اعتبار وجود و نقش آفرینی عوامل جغرافیایی - سیاسی و

○ سوریه در دهه‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ میلادی، از گروه تروریستی پ.ک.ک. پشتیبانی می‌کرد و این پشتیبانی دلایل گوناگون داشت. در آن دوران سوریه در خاک خود و در بخشهایی از خاک لبنان که زیر کنترل سوریه بود، امکان پناهندگی، آموزش و تأسیس اردوگاه برای کردهای ترکیه رافراهم آورده بود. سوریه گذشته از اینکه به کردهای مخالف دولت ترکیه اجازه استفاده از خاک خود را می‌داد، از آنها پشتیبانی مالی، جنگ‌افزایی و اطلاعاتی می‌کرد و امکان گذر از مرز برایشان فراهم می‌ساخت.

در شرایط ویژه فعال می‌شود. دگرگونی مناسبات قدرت بر عوامل ژئوپلیتیکی اثر می‌گذارد و می‌تواند سیاستهای جغرافیایی دولت‌ها را نیز دگرگون سازد (مجتهدزاده، ۱۳۸۱: ۱۲۹-۱۲۷). پشتیبانی سوریه از پ.ک.ک. در چارچوب ویژه‌ای انجام می‌پذیرفت که امکان فشار آوردن به حریف و پاسداری از منافع ملی رافراهم می‌ساخت. توافق سوریه با سران حزب کارگران کردستان، گذشته از اینکه خطر نفوذ پ.ک.ک. در میان کردهای سوریه را از میان می‌برد، زمینه بهره‌گیری از کارت کردها در برابر رقیب منطقه‌ای رافراهم می‌کرد (مگوی: ۱۹۹۵: ۱۰۴). در واقع، سیاست سوریه در زمینه مسائل کردها، در درون نظم پیشین حاکم بر مناسبات قدرت در خاورمیانه، خطر را به فرصت تبدیل کرده بود؛ ولی با دگرگون شدن مناسبات قدرت در خاورمیانه پس از حضور نظامی ایالات متحده در عراق، دیگر چنین امکانی وجود ندارد. در بخشهای بعدی به اثر این دگرگونیها بر رفتار دولت سوریه در برابر کردها و پ.ک.ک. خواهیم پرداخت.

### روابط سوریه با کردهای عراق

سوریه، نه تنها از کردهای ترکیه، بلکه از کردهای

سوریه، هیچ‌گاه گرایش به کردهای سوریه نشان نداده‌اند. هدف سوریه، نه تنها جلوگیری از دخالت‌های بیگانگان، بلکه هدایت ناسیونالیسم کردی در سوریه و دیگر کشورهای منطقه بوده است. هنگامی که عبدالله اوجالان در سوریه زندگی می‌کرد، در همسویی با سران سوریه، اعلام کرد که کردهای شمال خاوری سوریه ساکنان بومی نیستند و آنها را کوچندگان از ترکیه به‌شمار می‌آورد. او در بیانیتهایی، دولت سوریه را استود و زمامداران ترکیه را عامل اصلی افزایش مشکلات کردهای سوریه معرفی کرد. اوجالان تا آنجا پیش رفت که گفت کردهای سوریه کرد کامل نیستند. در آن سالها سران سوریه از پیوستن کردهای سوریه به پ. ک. ک. پشتیبانی می‌کردند و برای نمونه گزارش‌هایی از وزارت اطلاعات سوریه منتشر شد که در آنها آمده بود ۲۵ درصد از اعضای پ. ک. ک. سوریه اند (Turkish Daily News, 1998: 11). بدین‌سان، پ. ک. ک. ایزاری شده بود برای جهت‌دهی به ناسیونالیسم کردی و سرکوب کردهای سوریه؛ پ. ک. ک. و کردهای عراقی نیز در سایه حمایت‌های سوریه، هیچ‌گونه ادعایی در مورد کردهای سوریه نداشتند (Gambill, 2004: cilt 6)

### گذار ژئوپلیتیکی در خاورمیانه و اثر آن بر دیپلماسی کردی دولت سوریه

چنان‌که گفته شد، اشغال نظامی عراق از سوی ایالات متحده، دگرگونی‌هایی در نظم سیاسی خاورمیانه پدید آورده و دگرگون شدن مناسبات قدرت و ترتیبات امنیتی منطقه، نخستین و مهمترین اثر چنین رویدادی بوده است؛ ولی ایستادگی کشورهای منطقه از یک سو و گروه‌های گوناگون از سوی دیگر، از تحقق و تثبیت کامل نظم آمریکایی-اسرائیلی مورد نظر ایالات متحده در منطقه جلوگیری کرده است. از این دیدگاه، اکنون نه نظم سنتی پیشین بر جاست و نه نظم تازه و پایدار جای آنرا گرفته است. چنین وضعی را «گذار ژئوپلیتیکی» می‌نامند (حافظ‌نیا، ۱۳۸۵: ۱۴۳). دگرگونی سیاست‌های دولت سوریه در برابر کردها را نیز باید در همین چارچوب بررسی کرد. بی‌گمان در میان عوامل نقش‌آفرین در چرخش سیاست خارجی سوریه در برابر کردها، حضور نظامی آمریکا در عراق و تهدیدهای آشکار ایالات متحده بر ضد سوریه، برجسته‌ترین عامل

○ جایگاه منطقه‌ای سوریه، بویژه مناسبات آن کشور با همسایگان، پدیدآورنده‌انزوایی است که ناتوانی آن دولت در پیش بردن سیاست‌هایش را در پی دارد. ادعاهای سوریه نسبت به بخش‌هایی از خاک ترکیه و لبنان، رقابت با عراق، همراهی نکردن با برخی سیاست‌های عربی که بیشتر به دست مصر و عربستان است، تیرگی روابط با اردن بر سر پیوندهای امان با اسرائیل و... از عواملی است که «بر خورد ژئوپلیتیکی» را در روابط منطقه‌ای سوریه برجسته می‌کند.

عراق نیز برای تضعیف صدام حسین پشتیبانی می‌کرد. از سال‌های میانی دهه ۱۹۷۰ روابط عراق و سوریه که هر دو خود را نماینده حزب بعث می‌دانستند، تیره شد. در ۱۹۸۰ با پشتیبانی سوریه از ایران در جنگ هشت ساله‌اش با عراق، روابط سیاسی بغداد-دمشق قطع شد. رقابت دشمنانه صدام حسین و حافظ اسد، هر دو را به پشتیبانی از عناصر مخالف دیگری کشاند. عراق سالها از سازمان اخوان المسلمین (حزب تندرو سنی) که خطری برای دولت سوریه بود، پشتیبانی می‌کرد و در برابر، کردهای عراقی از سوی سوریه حمایت می‌شدند. سران سوریه در برابر اقدامات صدام حسین، اتحاد میهنی کردستان (KYP) به رهبری جلال طالبانی را به شوریدن بر دولت عراق برمی‌انگیخت (Brandon, 2007:5).

پشتیبانی سوریه از کردهای ترکیه و عراق، از دو سو جلوی رشد ناسیونالیسم کردی در سوریه را گرفته است. نخست، روابطی که با نیرومندترین و سازمان یافته‌ترین جریان کردی برقرار شد، این گروه‌ها را از کردهای سوریه دور کرد، چون پشتیبانی سران سوریه، برای این گروه‌ها بسیار اهمیت داشت. گرچه سیاست اعلام شده پ. ک. ک. بر اتحاد همه کردهای منطقه استوار است، سران این گروه با وجود اقامتشان در

متّحده، اتکای کردها به آن دولت را آشکار می‌سازد. در واقع با حضور نیروهای آمریکایی در منطقه، گروه‌های معارض کرد، به جای جلب پشتیبانی کشورهای منطقه، ترجیح می‌دهند به یک نیروی بیرونی پشت‌گرم باشند. چنین‌گزینشی، اختلاف‌های درونی نیروهای کرد را کاهش می‌دهد و آنها را منسجم‌تر می‌سازد. برای نمونه، پ.ک.ک. در دهه ۱۹۹۰ برای به دست آوردن پشتیبانی سوریه در توافقی نانوشته با سران آن کشور هرگونه فعالیت در میان کردهای سوریه را کنار گذاشت؛ ولی امروزه در سایه پشتیبانی یک دولت بیگانه ولی بسیار نیرومندتر که روابطی تیره با دولت سوریه دارد، با قدرت بیشتری می‌تواند ایده‌های پان‌کردیستی خود را در میان کردهای سوریه پیگیری کند. همین سیاست را شاخه

#### ○ ورود آمریکا به صحنه و حضور

نیروهایش در کنار مرزهای سوریه، نگرانیهای آن کشور را دوچندان کرده است. از این رو بهبود رابطه با برخی کشورهای منطقه برای سوریه ضرور می‌نماید. کنار گذاشتن رقابت با عراق پس از سرنگونی رژیم صدام حسین و بهسازی روابط با ترکیه بویژه کنار گذاشتن سیاست ایجاد چنددستگی و دامن زدن به اختلافات قومی در ترکیه، دو گزینه دولت سوریه است.

ولی ناگفته نماند که ترس سوریه از ایالات متّحده و ضرباتی که آن کشور می‌تواند به سوریه بزند، تنها یک روی سکه است. مشکلات جامعه کرد سوریه و آغاز دور تازه حرکتهای ناسیونالیستی در میان کردها و پشتیبانی همه‌سویه آمریکا از کردهای منطقه که از شمال عراق هدایت می‌شود، بعد دوم قضیه است.

بوده است. از سوی دیگر، جایگاه منطقه‌ای سوریه، بویژه مناسبات آن کشور با همسایگانش، پدید آورنده انزوایی است که ناتوانی آن دولت در پیش بردن سیاست‌هایش را در پی دارد. ادعاهای سوریه نسبت به بخشهایی از خاک ترکیه و لبنان، رقابت با عراق، همراهی نکردن با برخی سیاست‌های عربی که بیشتر به دست مصر و عربستان است، تیرگی روابط با اردن بر سر پیوندهای امان با اسرائیل و... از عواملی است که «برخورد ژئوپلیتیکی» را در روابط منطقه‌ای سوریه برجسته می‌کند. در این شرایط، ورود آمریکا به صحنه و حضور نیروهایش در کنار مرزهای سوریه، نگرانیهای آن کشور را دوچندان کرده است. از این رو بهبود رابطه با برخی کشورهای منطقه برای سوریه ضرور می‌نماید. کنار گذاشتن رقابت با عراق پس از سرنگونی رژیم صدام حسین و بهسازی روابط با ترکیه بویژه کنار گذاشتن سیاست ایجاد چنددستگی و دامن زدن به اختلافات قومی در ترکیه، دو گزینه دولت سوریه است.

ولی ناگفته نماند که ترس سوریه از ایالات متّحده و ضرباتی که آن کشور می‌تواند به سوریه بزند، تنها یک روی سکه است. مشکلات جامعه کرد سوریه و آغاز دور تازه حرکتهای ناسیونالیستی در میان کردها و پشتیبانی همه‌سویه آمریکا از کردهای منطقه که از شمال عراق هدایت می‌شود، بعد دوم قضیه است. شورش کردهای سوریه در ۲۰۰۴ در منطقه «قمیشلی» و کشیده شدن دامنه آن به دیگر مناطق سوریه (brandon, 2007:4) نخستین واکنش کردهای سوریه به دگرگونی شرایط و پشتیبانی بیرونی از کردها بود. حضور نظامی آمریکا در منطقه و همراهی همه‌سویه گروه‌های معارض کرد با سیاست‌های منطقه‌ای آن دولت و نیز روابط نزدیکشان با اسرائیل، گونه‌ای از وابستگی و همسویی ژئوپلیتیکی میان آنها پدید آورده است.

نیروهای پان‌کردیست در منطقه برای پیش بردن ایده «دولت مستقل کرد» در خاورمیانه نیاز به نیروی سومی دارند تا در منطقه حضور جغرافیایی داشته باشند و با حضور همه‌سویه آمریکا در منطقه، چنین نیرویی پدید آمده است. استقرار چشمگیر پ.ک.ک. و پژاک (Parti Jiyani Azadi kurdistan (PJAK) در شمال عراق و روابط ویژه حزب دموکرات عراق و حکومت اقلیم کردستان و اتحادیه میهنی کردستان با ایالات



پ.ك.ك.) گفته شد، دو دسته عوامل درونزا و برونزا نقش آفرین بوده اند، اما نقش عوامل بیرونی و دگرگونی ساختار نظم ژئوپلیتیکی در منطقه بسیار پررنگ تر بوده است. برای نمونه، اگر وجود اقلیت ناراضی کرد در سوریه با وزن ژئوپلیتیکی ناچیز و نیاز مبرم آنها به برخورداری از پشتیبانی بیرونی را يك عامل درونی کارساز در زمینه روابط پ.ك.ك. با دولت سوریه در نظر بگیریم، چنین وضعی پیش از حمله ایالات متحده و همپیمانانش به عراق نیز وجود داشته، ولی در آن هنگام رفتار سوریه با پ.ك.ك. بر پایه الگوی همکاری بوده است. در واقع با اینکه پ.ك.ك. از یکپارچگی کردها و بی‌ریزی يك دولت مستقل کرد در منطقه دم می‌زده، ولی بر اثر موازنه‌های قدرت و نظم سیاسی حاکم بر منطقه بهتر می‌دیده است که در میان کردهای سوریه فعالیت نداشته باشد. از این رو در يك تحلیل ژئوپلیتیکی و بر پایه نقش آفرینی مناسبات دگرگون شونده قدرت - از دسته مفاهیم اعتباری - در خاورمیانه، نقش عوامل بین‌المللی در دگرگونی الگوی رفتار سوریه با پ.ك.ك. بسیار برجسته بوده است. در میان عوامل بین‌المللی کارساز در

ایرانی این گروه (پزاک) نیز در جای خود در پیش گرفته است (Oytun, 2005: 65).

بر سر هم، می‌توان گفت که دگرگون شدن نظم سیاسی و معادلات قدرت در خاورمیانه، در سایه دو عامل بر روابط سوریه با کردها و بویژه پ.ك.ك. اثر گذاشته است:

- خطر نظامی ایالات متحده و نیاز به داشتن روابط مسالمت آمیز با همسایگان؛

- پشتیبانی آمریکا از کردها و دخالت نیروهای پان کردیست بویژه پ.ك.ك. در دامن زدن به احساسات و اگر ایانه در میان کردهای سوریه.

ناگفته نماند که با پدید آمدن شرایط تازه، «حکومت سوریه که تاکنون هیچ گونه چشم‌پوشی از مواضع خود نداشته، ناچار است در برابر برخی از خواسته‌های کردها کوتاه بیاید» (Bila, 2004: 258).

### بهره سخن:

همان گونه که در این نوشتار در تبیین الگو و بررسی چندوچون روابط سوریه با حزب کارگران کردستان

### پراکندگی جغرافیایی کردها در سوریه



مأخذ: (<http://www.efrin.net/cms/deutsch/images/stories/SyriaKurds-map.jpg>)

## منابع

۱. حافظ نیا، محمدرضا، (۱۳۸۵)، اصول و مفاهیم ژئوپلیتیک، تهران، آستان قدس رضوی.
۲. دوئرتی، تری، (۱۳۸۵)، سوریه، ترجمه مهسا خلیلی، تهران، ققنوس.
۳. شیخ عطار، علیرضا، (۱۳۸۲)، کردها و قدرت‌های منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای، تهران، مرکز تحقیقات استراتژیک.
۴. مجتهدزاده، پیروز، (۱۳۸۱)، جغرافیای سیاسی و سیاست جغرافیایی، تهران، سمت.
۵. مقصودی، مجتبی، (۱۳۸۰)، تحولات قومی در ایران؛ علل و زمینه‌ها، تهران، مؤسسه مطالعات ملی.
۶. مگوی، ش.خ، (۱۹۹۵) «مسائل جنبش کرد»، ترجمه کامران امین آوه، کردستان معاصر، مسکو، مرکز علمی-روشنگری کرد.
7. Brandon, James, (2007), the PKK and syria's kurds, ([http:// www. jamestown. org](http://www.jamestown.org)): Jamestown Foundation.
8. Bila, Fikret, (2004), **Hangi PKK? : Satranç Tah-tasinda Yeni Hamleler**, Ankara, Ümit Yayıncılık
9. Badradin, Salah, (2003), **The Kurdish National Movement in Syria**, Beirut, The Kurdish Kawa Cultural Society.
10. Çakir, Rusen, (2007), "PKK Nasil Bölgesel Güç Oldu?" Ankara: **Vatan**.
11. Gambill, Gary C, (2004), "The Kurdish Re-awakening in Syria", **Middle East Intelligence Bulletin**, Cilt 6 no4.
12. Urhan, Eziz, (2005), Ortadoğu ve kürtprblemi, Istanbul:seçil ofset yayınlıki.
13. Human Rights Watch, (1996), "Syria - The Sienced Kurds", **Cilt8**, No. 4,Ekim.
14. Lowe, Robert, (2006), "The Syrian Kurds: A People Discovered", at [http://www. chatham-house. org. uk/middle - east/papers](http://www.chatham-house.org.uk/middle-east/papers).
15. Lazarev, M.S, (2001), et.al, **Kürdistan Tarihi**, Istanbul: vural yayınlıki.
16. Oytun, Orhan, (2005), "Suriye, Dönüşüm ve Türkiye", **Stratejik Analiz**, Cilt 6, ankara: zaman yayınlari.
17. Özcan, Nihat Ali, (1999), PKK Kürdistan İşçi Partisi) Tarihi, **Ideolojisi ve Yöntemi**, Ankara: ASAM Yayınları.
18. **Turkish Daily News**, 18 Nisan 1998, den aktaran Gambill.
19. Mc Dowall, David, (2004), **Modern Kürt Tarihi**, Ankara, Doruk Yayınları.
20. Moubayed, Sami, (2005), "US Designs on Syria's Kurds", **Asia Times**, 9 Nisan.
21. [http:// www. efrin. net/cms/ deutsch/ images/ stories/ SyriaKurds-map.jpg](http://www.efrin.net/cms/deutsch/images/stories/SyriaKurds-map.jpg).

زمینه روابط سوریه با پ.ک.ک. نیز حضور نظامی ایالات متحده در عراق، بیش از همه برجسته است. در تحلیل مکانیزم این نقش آفرینی و اثرگذاری آن باید گفت که حضور نظامی آمریکا در منطقه، مناسبات قدرت در خاورمیانه را یکسره دگرگون ساخته و ایالات متحده در سایه اثرگذاری و وزن ژئوپلیتیکی چشمگیرش و نیز امکان هدایت سیاستهای منطقه‌ای خود از عراق و بویژه از شمال آن کشور، امکانات ژئوپلیتیکی فراوانی به دست آورده است. در این میان، همراهی گروه‌های ستیزه‌گر کرد با استراتژیهای منطقه‌ای ایالات متحده، زمینه همکاری آمریکا با کردها و پشتیبانی از آنها را فراهم آورده است. روابط ویژه ایالات متحده با «اتحادیه میهنی» و «حزب دموکرات» در کردستان عراق و نیز استقرار سازمانهایی تروریستی همچون پ.ک.ک. و شاخه ایرانی آن پزاک در عراق، نمودی از این همکاری و پشتیبانی است. از سوی دیگر، جایگاه منطقه‌ای سوریه و قرار داشتن آن در میان کشورهای مخالف سیاستهای آمریکا در خاورمیانه، بهره‌گیری ایالات متحده از کارت کردها برای ضربه زدن به سوریه را موضوعیت بیشتری می‌بخشد. بهبود روابط سوریه و ترکیه که در راستای یارگیری سوریه در برابر تهدیدهای ایالات متحده است نیز مایه ناخرسندی پ.ک.ک. شده است.

بر اثر مشکلات استراتژیک سوریه با آمریکا، حضور نیروهای ایالات متحده در نزدیکی مرزهای سوریه و تهدیدهای نظامی آن کشور، بهبود روابط سیاسی سوریه با ترکیه (برجسته‌ترین دشمن پ.ک.ک.)، همراهی همه‌سویه پ.ک.ک. با نظم آمریکایی-اسرائیلی پیش‌بینی شده برای خاورمیانه و پشتیبانی گسترده آمریکا از آن گروه، از مهمترین عوامل بین‌المللی اثرگذار در چرخش سیاست خارجی سوریه در برابر پ.ک.ک. است.

براین پایه، و با توجه به دگرگون شدن نظم ژئوپلیتیکی خاورمیانه، امکان گسترش فعالیت‌های تشکیلاتی پ.ک.ک. در میان کردهای سوریه در راستای ایده یکپارچگی سرزمینی کردها در سایه پشتیبانی همه‌سویه ایالات متحده و اسرائیل و نیز برجسته‌تر شدن الگوی درگیری در روابط سوریه با پ.ک.ک. پیش‌بینی می‌شود.